

باز هم درباره شکل مستقل کارگری!

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

شب جمعه ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۳، «شبکه همبستگی کارگری» میز گردی را تحت عنوان «تشکلات مستقل کارگری»، برگزار کرد که سخنرانان آن رفقا نادر شکیبا، م. رازی و من (بهرام رحمانی) بودیم. این سومین میز گردی است که بر سر تشکلات مستقل کارگری، در شبکه همبستگی کارگری، شرکت می‌کنم. امیدوارم این بحث‌ها در بین گرایش‌های مختلف جنبش کارگری کمونیستی شکافته شود و جوانب مختلف آن مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا از یک سو اختلافات شفاف‌تر گردد و از سوی دیگر گرایش‌هایی که حداقل توافقی بر سر ویژگی‌ها و خصوصیات شکل مستقل کارگری دارند، هم‌دیگر را پیدا کنند و رابطه و تبادل نظر و یا همکاری‌های نزدیک‌تری با هم داشته باشند.

من در این جا قصد ندارم وارد جزئیات این بحث که زوایای مختلفی دارد و سئوالات متنوعی نیز حول آن مطرح است، بپردازم. اما در کلی‌ترین سطح یکی از مهم‌ترین اختلاف بین من، با این دو رفیق سخنران، بر سر رابطه شکل مستقل کارگری با احزاب بود. این رفقا معتقد بودند، شکل مستقل کارگری علاوه بر احزاب بورژوازی، با احزاب کارگری و کمونیستی نیز نباید رابطه داشته باشد. همچنین پیشنهاد شد که رفقای سخنران بحث خود را کتبی کنند، امیدوارم این رفقا بحث خود را به صورت کتبی نیز ارائه دهند. آنچه که در زیر ملاحظه می‌کنید بخشی است که در این میزگرد ارائه داده‌ام. با امید این که رفقای پیش‌تری چه مخالف و چه موافق در این بحث شرکت کنند.

مقدمه

بحث شکل مستقل کارگری در ایران، تاریخچه طولانی دارد. اکنون این بحث در حال تبدیل شدن به یک مجادله سیاسی عمومی، از جمله در میان فعالین جنبش کارگری کمونیستی است. باید به استقبال این بحث‌ها رفت و نظریات مختلف را شناخت. مسلماً با شناخت گرایش‌های مختلف می‌توان به یک ارزیابی نسبی دست پیدا کرد. دلایل آن ناشی از وضعیت و کشمکش طبقاتی است که طبقه کارگر ایران، در دوره حاضر با آن روبه‌رو است.

طبقه کارگر ایران، از هر گونه شکل طبقاتی مستقل خود محروم است و ایجاد شکل مستقل کارگری، به عنوان یکی از مباحث مهم جنبش کارگری، به همین دلیل مطرح است. اکنون فقدان شکل مستقل کارگری، بیش از هر زمان دیگری حس می‌شود. چرا که اگر قرار است طبقه کارگر، در

سرنوشت همین امروز خود و در تحولات آتی ایران، نقش تاریخی خود را ایفا کند، به شکل مستقل خود همانند نان شب نیازمند است.

آنچه که بیش از هر چیز مورد مناقشه و جای بحث دارد، این است که روش‌ها و راه‌حل‌های متفاوتی برای ایجاد شکل مستقل کارگری وجود دارد. برای کارگران کمونیست این مسئله حائز اهمیت است که مضمون و محتوای شکل مستقل کارگری چیست؟ مثلاً ایجاد شوراهای کارگری متکی بر جنبش مجمع عمومی، یکی از راه‌حل‌هایی است که در مقابل کارگران پیشرو و رادیکال و کمونیست قرار دارد. جنبش مجمع عمومی که کارگران در آن در فضایی رفیقانه، صمیمانه، برابر، آزاد و کاملاً دمکراتیک مستقیماً تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند، راه‌آسانی و مهمی برای رسیدن به حکومت کارگری است. البته تلاش برای برگزاری مجمع عمومی و ساختن شوراهای بستگی به توازن قوای کارگران در مقابل دیگر گرایش‌های درون طبقه و رژیم دارد. اختناق سیاسی و پلیسی، شکل‌های دست‌ساخته رژیم در درون کارگران، مانند شوراهای اسلامی، خانه کارگر و انجمن‌های اسلامی و حزب کار اسلامی، از موانع بزرگ در راه تشکیل شکل‌های مستقل کارگری در کارخانه‌ها و دیگر محیط‌های کاری است. ناگفته نماند که بنا به آمارهای رسمی اقلیتی از کارگران در این شکل‌ها عضو هستند. اما به دلیل این که این شکل‌ها به عنوان بازوی پلیسی رژیم در درون طبقه کارگر عمل می‌کنند، بی‌اعتمادی زیادی را در بین کارگران به وجود آورده است. شوراهای اسلامی، از همان بدو تشکیل‌شان کارگران فعال و رادیکال را شناسایی کردند و به دست پلیس و پاسدار دادند. تعداد زیادی از این طریق زندانی و یا حتا اعدام شدند. اما اکنون فضا تغییر کرده است و ترس کارگران از رژیم، نسبت به گذشته بسیار کم‌تر شده است.

وضع دردناک زیست و زندگی کارگران و مبارزه آنان

در حال حاضر کارگران، مطالبات متنوعی، نظیر حق تشکیل، اعتصاب، پرداخت دستمزدهای معوقه، افزایش دستمزد، بیمه بی‌کاری، لغو قراردادهای موقت، متوقف کردن اخراج‌های دسته‌جمعی در اثر خصوی‌سازی و غیره دارند. برای رسیدن به این مطالبات نیز همواره دست به کم‌کاری، جمع‌آوری طومار، اعتصاب و راهپیمایی می‌زنند. برای کسب این مطالبات، اگر کارگران شکل‌های مستقل و سراسری خودشان را نداشته باشند، امکان بهبودی در وضع زیست و زندگی‌شان روز به روز سخت‌تر می‌شود. اخیراً معاون اجتماعی سازمان بهزیستی، اقرار کرد که ۱۹ میلیون نفر از جمعیت کشور، نیازمند توجه جدی و فوری است. او گفت: «از این میان ۵/۵ میلیون زیر خط فقر زندگی می‌کنند، ۲/۵ میلیون نفر نیز نیازمند حمایت‌های جدی اجتماعی هستند و ۱۱ میلیون نفر نیز نیازمند حمایت‌های جدی هستند. وی همچنین گفت، ۲۷ میلیون نفر از جمعیت کشور، زیر ۱۸ سال هستند»،

که با آسیب‌های اجتماعی دست به گریبان‌اند. (روزنامه آفتاب، ۷ شهریور ۱۳۸۲)

از سوی دیگر باقر امامی، نماینده مجلس و عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی گفته است: «آمار واقعی بی‌کاران کشور پنج تا شش میلیون نفر است. امامی گفت: «زمانی گفته می‌شد که بیش‌تر بی‌کاران کم‌سود و بی‌سود هستند اما امروز وضعیت فرق کرده و اکثر بی‌کاران فارغ‌التحصیلانی هستند که سالیان سال برای کسب علم و دانش و دستیابی به فرصت‌های شغلی بهتر تلاش کرده و اینک پس از اخذ مدرک در پی یافتن کار هستند و تاسف‌بارتر این که این افراد حاضر به پذیرفتن هر کاری با هر شرایطی هستند».

شرایط سخت و طاقت‌فرسای در بخش‌های مختلف محیط‌های کاری، روزانه ده‌ها نفر از کارگران را مصدوم، معلول و یا جان‌شان را می‌گیرد. نمونه آخری کارگر جوانی به نام «پیمان رضی‌لو، ۲۵ ساله»، کارگر ایران خودرو بود که در اثر شرایط سخت کار و اضافه کاری اجباری جان خود را از دست داد. کارخانه ایران خودرو که پانزده هزار کارگر دارد؛ شرکت‌های پیمان کاری، کارگران را مجبور کرده‌اند که حداقل چهار ساعت اضافه کاری اجباری کنند. مطلع هستیم که ایران، در بررسی محیط کار بین پنجاه کشور جهان، از نظر شرایط نامناسب محیط کار، در آخرین رده قرار گرفته است. روزی نیست که خبر تعطیلی کارخانه و کارگاه و بی‌کار شدن کارگران آن، در شهرهای مختلف کشور، منتشر نشود و ده‌ها هزار کارگر این صنایع بی‌کار نگردند.

این‌ها فقط گوشه‌هایی از تصویر و اوضاع اسف‌بار و دردناک جامعه ایران است؛ به ویژه کمر کارگران و دیگر مزدبگیران و بی‌کاران، در زیر بار سنگین مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هر روز بیش‌تر از روز پیش خرد می‌شود.

در چنین شرایطی، مبارزه طبقه کارگر، مبارزه‌ای طبقاتی بر علیه زور، ستم و استثمار بورژوازی و رژیم است. از این رو نباید مبارزه طبقاتی کارگران در شکل مستقل‌شان فقط محدود به مطالبات و خواسته‌های اقتصادی و صنفی باد، بلکه باید گام به گام شعارها و مطالبات کارگران، به سطح مطالبات سیاسی و نهایت امر به یک تقابل و صف‌بندی طبقاتی همه‌جانبه با سرمایه‌داری و رژیم ارتقا یابد. از طریق چنین سیاستی می‌توان، وسیع‌ترین همبستگی را بین گرایش‌های درون طبقه کارگر به وجود آورد.

مبارزه برای ناسیسی شکل مستقل کارگری

جنبش کارگری، به عنوان جنبش یک طبقه اصلی جامعه، باید از مبارزات علنی بیش‌ترین استفاده را ببرد. در مبارزه علنی احتمال دارد که کارگران اجباراً برخی از قوانین موجود را رعایت کنند، اما مبارزه آنان به هیچ‌وجه نمی‌تواند به چهارچوب قانون محدود باشد. تاکتیک‌های این مبارزه بستگی به

توازن قوا و ظرفیت و توانایی فعالین کارگری برای تعیین سیاست‌هایشان در مقابل کارفرمایان و رژیم متفاوت است. اگر منظور از فعالیت علنی شرکت در تشکل‌های اسلامی موجود و یا تشکل‌هایی که قرار است در همکاری جمهوری اسلامی با سازمان بین‌المللی کار به وجود آیند، باشد؛ به نظر من باید مخالفت کرد. سیاست جدید جمهوری اسلامی، با سازمان بین‌المللی کار هنگامی داغ می‌شود که مبارزات کارگری در اکثریت صنایع و کارخانه‌های ایران، در حال اوج گرفتن است. در چنین وضعیتی جمهوری اسلامی می‌کوشد این مبارزات را زیر کنترل بگیرد. بنابراین همکاری اخیر رژیم با سازمان بین‌المللی کار نمی‌تواند بی‌ربط با موقعیت و خیزش کنونی جنبش کارگری ایران و ضعف و ناتوانی شوراها و اسلامی کار و خانه کارگر نباشد. بدین سبب مخالفت به معنی این نیست که نباید در تحرک اخیر برای ساختن سندیکاها دخالت کرد، بر عکس اکنون که بحث ساختن سندیکاها با همکاری جمهوری اسلامی و سازمان بین‌المللی کار جریان دارد، فرصت مناسبی است که فعالین جنبش کارگری کمونیستی نیرو و انرژی خود را برای تاسیس تشکل مستقل کارگری از پایین، بدون دخالت رژیم و سازمان بین‌المللی کار، اختصاص بدهند.

اساساً سئوالی که در مقابل طرح‌کنندگان تشکل مستقل کارگری قرار دارد، این است که منظورشان از استقلال چیست و این تشکل، از چه گرایش و جریانی باید مستقل باشد. آیا هدف مستقل از رژیم است و یا کلیه گرایش‌های بورژوازی، از جمله رژیم.

مستقل از رژیم

تشکل کارگری، باید بدون دخالت رژیم، به وجود آید. اصولاً رژیم، نباید در امر تشکل، تعیین اهداف و سیاست و انتخابات تشکل مستقل کارگری دخالت کند و هیچ قانونی نیز نباید کارگران را از حق داشتن تشکل مستقل‌شان محروم سازد. در قوانین کشور، باید آزادی تشکل به رسمیت شناخته شود. به دلیل این که رژیم، در امر ساختن تشکل‌های کارگری دخالت می‌کند، مسئله تشکل مستقل کارگری، به عنوان خاتمه دادن به دخالت رژیم، مطرح می‌گردد. به خصوص اکنون ایجاد تشکل مستقل کارگری در دستور روز جنبش کارگری قرار گرفته است، باید محکم در مقابل رژیم ایستاد و اجازه نداد در به وجود آوردن تشکل مستقل کارگران، کوچک‌ترین دخالتی داشته باشد. بنابراین دخالت رژیم در ساختن تشکل مستقل کارگری را به هیچ‌وجه نباید تحمل کرد.

مستقل از سازمان‌ها و احزاب

تشکل مستقل کارگری، قاعدتاً باید یک تشکل طبقاتی کارگران باشد و سیاست‌های خود را بر علیه

سیستم کاپیتالیستی تدوین و تعریف کند. در چنین شرایطی، طبیعی است که سازمان‌ها و احزاب کارگری کمونیستی که منافع جدا از منافع طبقه کارگر ندارند، رابطه تنگاتنگ و متقابلی با تشکل مستقل کارگری داشته باشند. چرا که اهداف و سیاست‌های طبقاتی مشترکی را دنبال می‌کنند و برای لغو کار مزدی و مالکیت خصوصی مبارزه می‌کنند. در عین حال باید تاکید کرد، حتی سازمان‌ها و احزاب کارگری نیز حق دخالت و اعمال نفوذ در تشکل مستقل کارگری را ندارند. اعضای سازمان‌ها و احزاب می‌توانند عضو فعال تشکل مستقل کارگری باشند. رابطه تشکل مستقل کارگری، با سازمان‌ها و احزاب کارگری کمونیستی، رابطه‌ای متقابل و تنگاتنگ است. آن‌ها می‌توانند درباره پیشبرد امر مشترک طبقاتی، همواره با یکدیگر بحث و گفت‌وگو و تبادل نظر داشته باشند. بدین ترتیب تشکل مستقل کارگری، باید رسماً و علناً اعلام کند که به هیچ‌گونه، سازمان و حزب بورژوازی اجازه دخالت در تشکل طبقاتی خود را نمی‌دهد.

البته شایان ذکر است که سرمایه‌داری نیز چه در ایران و چه در سطح جهان، خواهان «تشکل مستقل کارگری» به معنای «مستقل از احزاب کارگری کمونیستی» و مهم‌تر از همه از «سیاست» هستند. این گرایش از تشکل کارگری می‌خواهد که در سیاست دخالت نکند. همچنین این گرایش به کارگران توصیه می‌کند که اگر علاقه‌مند به کار سیاسی هستند، به‌طور فردی در احزاب عضو شوند و حق فعالیت سیاسی در تشکل مستقل کارگری را ندارند. اما طبیعی‌ست که کارگران به‌طور متشکل، از طریق تشکل‌های خود نظیر شوراهای، کمیته‌های کارخانه، اتحادیه‌ها، کمیته‌های همبستگی فراخوان مبارزه سیاسی-تشکیلاتی بدهند و در همه امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دخالت فعال سیاسی و اجتماعی داشته باشند.

از همه پیش‌تر دولت‌ها می‌خواهند که تشکل کارگری، صرفاً در رابطه با مسایل اقتصادی و صنفی مبارزه کنند و دخالتی در امور سیاسی نداشته باشند. مثلاً در دوره حکومت پهلوی محمدرضا شاه از کارگران می‌خواستند که در سیاست دخالت نکنند. او، در کتاب «ماموریت برای وطنم» می‌نویسد: «شرط عقل آن است که اتحادیه‌های کارگری را از احزاب سیاسی کاملاً جدا نگه داشت. اتحادیه‌های کارگری بهتر است که اساساً در راه بهبود وضع اقتصادی اعضای خود تلاش کنند و احزاب به امور کلی‌تری بپردازند. زیرا ممکن است برخی از اعضای اتحادیه‌ای طرفدار یک حزب سیاسی و سایرین پشتیبان حزب دیگری باشند، و بهتر است که کشمکش‌های سیاسی داخل اتحادیه سبب تضعیف آن نگردد».

در تاریخ ایران هرگز حکومت‌ها و احزاب راست، تمایلی به تشکل کارگری نشان نداده‌اند، اما هنگامی که خود را در مقابل عمل انجام شده می‌یابند و با تلاش بی‌وقفه کارگران برای تاسیس تشکل‌هایشان روبه‌رو می‌شوند، نخست با آن‌ها به مقابله برمی‌خیزند و سپس تلاش می‌کنند از درون آن‌ها را از

محتوای طبقاتی تهی سازند و نگذارند تشکل مستقل کارگری با اهداف و سیاست های طبقاتی جنبش کارگری سوسیالیستی خود را در مبارزه علیه سیستم سرمایه داری سازمان دهی کند. از این رو بوژوازی و حکومت هایشان خواهان مستقل بودن تشکل کارگران از سیاست و احزاب می شوند که منظورشان مستقل از احزاب، احزاب کارگری کمونیستی است، نه بوژوایی. اما بر عکس در تاریخ ایران، جنبش کمونیستی و احزاب کمونیستی بودند که اولین تشکل های کارگری را به وجود آوردند. در تاریخ ثبت است که اولین اتحادیه های کارگری در ایران، توسط فعالین حزب کمونیست ایران تشکیل گردید. سال ها پس از سرکوب این اتحادیه ها و حزب کمونیست ایران، اتحادیه های کارگری توسط فعالین حزب توده و گرایشات نزدیک به آن اعلام موجودیت کردند. رضا شاه بی رحمانه فعالین اتحادیه های کارگری را که توسط فعالین حزب کمونیست ایران، سازمان دهی شده بود و نقش موثری در پیش برد اهداف جنبش کارگری داشت را شدیداً سرکوب کرد و متلاشی نمود. حتا علم و رزم آرا، از سوی محمدرضا شاه مامور تشکیل و یا کنترل «تشکل مستقل کارگری» شدند. تشکل «مستقل» کارگری از نظر آنان، به معنای استقلال از احزاب کارگری کمونیستی و سیاست است. هدف آنان کنترل جنبش کارگری و دور نگاه داشتن این جنبش از دست زدن به مبارزه طبقاتی علیه سرمایه داری و رژیم دیکتاتور و ضد کارگر سلطنتی بود.

رژیم جمهوری اسلامی نیز، تشکل های مستقل کارگری نظیر شوراها، سندیکاها و غیره را که پس از انقلاب یکی پس از دیگری در کلیه بخش های صنایع و محیط های کاری کشور اعلام موجودیت می کردند را شدیداً سرکوب کرد و شوراها و خانه کارگر و کسانی چون صادقی و محبوب و کمالی را برای کنترل جنبش کارگری و دور نگاه داشتن کارگران از سیاست و گرایش کمونیستی و سوسیالیستی مامور کرد. اکنون، پس از گذشت ۲۵ سال از حاکمیت خونین جمهوری اسلامی، هیچ تشکل مستقل کارگری در این کشور نداریم، در حالی که مبارزه کارگران به عناوین مختلف در جریان است. تلاش امروز همه ما به عنوان فعالین جنبش کارگری کمونیستی، برای تاسیس تشکل های مستقل کارگری، ناشی از شرایطی است که به فعالین جنبش ما، یعنی جنبش کارگری فشار می آورد.

در قرن گذشته در ایران نیز مانند جهان، برای جلوگیری از رشد جنبش کارگری و کمونیستی، علاوه بر سرکوب های خونین فعالین این جنبش، سیاست های سرمایه داری جهانی نیز به کار گرفته شده است تا سیستم کاپیتالیستی به مساعدترین شکلی نیروی کار را استثمار کند و کسب سود نماید.

مطلع هستیم که دولت ایالات متحده آمریکا و انگلستان، به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم، برای جلوگیری از رشد کمونیسم در سطح جهانی، سیاست های مختلفی را به مرحله اجرا درآوردند. از جمله تعدادی از فعالین کارگری را در آمریکا و یا در کشورهایشان آموزش دادند تا اتحادیه هایی را در تقابل با جنبش کارگری و کمونیستی به وجود آورند. هر دو دولت انگلیس و آمریکا، در

سفارت خانه های خود در تهران، «وابسته کارگری» داشتند. این افراد وظیفه داشتند که با فعالین کارگری تماس برقرار کنند و آن ها را برای سفرهای مطالعاتی و تحقیقی به کشورهايشان دعوت کنند. همچنین جلسات بحث و گفت و گو با فعالین کارگری برگزار می کردند و فیلم های مذاکرات رهبران کارگری با کارفرمایان در آمریکا و انگلستان را به معرض نمایش آن ها می گذاشتند. هدف آنان از این اقدامات کادرسازی برای رهبری اتحادیه های کارگری بود که با اهداف و سیاست های امپریالیستی آمریکا و بریتانیا، بر علیه جنبش کارگری و کمونیستی منطبق باشد. گفته می شود بین سال های ۳۳ تا ۴۰ نزدیک به شش صد کارگر در برنامه های آمریکا، برای پرورش کادر و رهبر کارگری در آمریکا و ایران شرکت کردند. این کادرها وظیفه داشتند که «تشکل مستقل کارگری» و «غیردولتی» را به وجود آورند و جلو نفوذ کارگران رادیکال و پیشرو و کمونیست در جنبش کارگری را بگیرند. اساسا سازمان بین المللی کار نیز با چنین اهدافی به وجود آمد. می توان در این مورد به کتاب آقای حبیب لاجوردی، تحت عنوان «اتحادیه های کارگری و خودکامگی در ایران» مراجعه کرد. لاجوردی در پیش گفتار این کتاب می نویسد: «به یاد دارم که جرج لاج نویسنده کتاب «پیشگامان دموکراسی»: کارگران در کشورهای رو به توسعه میدان دادن به اتحادیه های کارگری مستقل تدبیر موثری برای مبارزه با نفوذ کمونیسم است. این استدلال براساس بحثی درباره نقش اتحادیه های کارگری در کشورهای مختلف جهان سوم از هند تا تونس استوار بود.

پرسشی که در آن زمان برایم مطرح شد این بود که اگر اتحادیه های کارگری با ارائه جایگزین پرجاذبه ای به کارگران از نفوذ کمونیسم می کاهد چرا بسیاری از کشورهای رو به توسعه، مانند ایران، با این که دولت هایشان هراس ژرفی از کمونیسم ابراز می دارند به سازمان های کارگری میدان نمی دهند و یا دست کم تشکیل شدن آن ها را مجاز نمی شمارند؟ این پرسش بی پاسخ باقی ماند». لازم به یادآوری است که جرج لاج مشاور اقتصادی جان اف کندی رییس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا و یکی از تئوریسن های ضد کمونیست بود.

بنابراین یکی از مشخصه های اتحادیه های کارگری مستقلی که دولت های بورژوازی، گرایشات فرصت طلب راست مطرح می کنند، منظورشان مرزبندی با گرایش کمونیستی طبقه کارگر و احزاب کارگری کمونیستی است.

جمع بندی

- ۱ – طبقه کارگر ایران در حال حاضر فاقد تشکل مستقل خود است. بنابراین فعالین جنبش کارگری و کمونیستی وظیفه دارند که اولویت خود را برای ساختن تشکل های مستقل کارگری بگذارند.
- ۲ – خصوصیات ویژه این تشکل، دخالت فعال در کلیه عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و

فرهنگی و در یک کلام سازمان دادن جنبش کارگری بر علیه سیستم سرمایه داری و دولت است.

۳ _ هدف از تشکل مستقل کارگری، استقلال این تشکل از رژیم و کلیه سازمان ها و احزاب بورژوازی است. بنابراین رژیم، نباید هیچ گونه دخالتی در تشکیل، اهداف و انتخابات و سیاست های تشکل مستقل کارگری داشته باشد. اساسا اختلاف تشکل کارگری با رژیم و سازمان ها و احزاب بورژوازی نه صرفا تشکیلاتی، بلکه سیاسی و طبقاتی است.

۴ _ تشکل مستقل کارگری، رابطه تنگاتنگ و متقابلی با سازمان ها و احزاب کارگری و کمونیستی دارد، بدون این که به آن ها اجازه دخالت در اهداف و برنامه و کنگره ها و انتخابات رهبری خود بدهد. چگونگی این رابطه را خود تشکل مستقل کارگری، در نشست ها و کنگره های خود تعیین می کند.

۵ _ طبیعتا بستگی به توازن قوای گرایشات درون طبقه کارگر، احتمال دارد که تشکل های مختلفی با اهداف و برنامه های گوناگون به وجود آید. اما هدف کارگران رادیکال، پیشرو و کمونیست، در عین حالی که گرایشات دیگر را نقد می کنند، هدف اصلی شان اتحاد و همبستگی کل طبقه کارگر باشد. سرانجام جنبش کارگری و تشکل هایش باید در فضایی آزاد و با دخالت مستقیم توده کارگران در صحنه سیاسی کشور به عنوان یک طبقه، با ارزیابی از موقعیت رژیم و احزاب، سیاست ها و روابط خود را تعیین کند.

دوم اکتبر ۲۰۰۳